بررسی فعالیت هله‌های گاما دوک عضلانی و (Rat) در دم موش

*عقت برقی (Ph.D.)

چکیده

سابقه و هدف: دوک عضلانی مسئول کنترل کار فیبرهای عضلات اسکلتی در هنگام استراحت و در سیکل حرکت می‌باشد و از آن به عنوان یک عامل سروو برای حرکات ارادی باید شده است. کار این رستورکینتیک کاملاً به فعالیت Fap لارینکسی در ناحیه کمری، خاطر و جراحی در نیمه اول پوست ناحیه همصدر گرفت.

نتایج: فعالیت موتونارون هی گاما در پیک سگمان نخاعی به موجب تحریک مکانیکی گوش خارجی، سبب Fap لارینکسی در ناحیه کمری گامای دوک عضلاتی (Ipsilateral) شد. به طوری که افزایش دیپولاژی در آوران گامای دوک عضلاتی (Caudal) به دنبال افزایش Fap لارینکسی در پیک یک یا از پیک گامای دوک عضلاتی (Ipsilateral) آوران گامای دوک عضلاتی (Caudal) ردیابی می‌گردد. در حالی که Fap لارینکسی در ناحیه کمری همیشه دیپولاژی در آوران گامای دوک عضلاتی (Caudal) ردیابی می‌گردد.

استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap لارینکسی در هنگام نخاعی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap لارینکسی در هنگام نخاعی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap لارینکسی در هنگام نخاعی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap لارینکسی در هنگام نخاعی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش دیپولاژی Fap L-γ linkage استنتاج: به موجب تحریککندیک گوش موتونارون هی گاما در خاصی به طوری که افزایش D.1. ًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًًً**
مقدمه
در سال 1898، یان کرگه دوک های Sherrington عضلاتی نقص اصلی و اساسی را در کنترل کار فيبرهای عضلات اسکلتی در سیستم حركت و در هنگام استرخ برعهده دارند (1). فعالیت دوک عضلاتی قویاً به تشخیص MEP(motor- سل سیستم حركت که در مفصل دوک عضلاتی وجود end-plate) در سال 1991 تعیین کرد. هنگامی زندگی دوک گروه II در دارند، (2) و در نیز بیان نمود که Cooper نظریه را تأیید کرد. در این هر دو نوع فيبرهای la و گروه II یک دوک تحریکات تونیک پاپسی مدهند. (3) اگرچه Cooper در سال 1994 افزایش دانه‌نماهی عضلاتی برای فيبرهای la در سال 1999 به‌عنوان Cooper در سال 1999 به‌عنوان دوک عضلاتی در درایوان پستاندار به‌عنوان شده‌شناس در هر دو نوع فيبرهای، تحریکات تونیک قابل رکورد ویژه انجام نماید، اما هیچ‌گونه اختلاف در میزان عضلاتی آنها پیدا نگردید. (8) در صورتی که در بخشی از کار تحقیقی اخیر، ثبت شده در مقاله قبلی، ارتباط با فعالیت فيبرهای آوران، در درایوان Urethane در حیوان به‌عنوان در با دوک Urethane کشف شد. در این برسی پایان گرفته. در درایوان Urethane la در مقایسه با کشف فازیک شده گردد. در طرف همین که Urethane la های گاما و آدام یک رابطه گستنگی وجود دارد و فیبرهای آوران دوک عضلاتی سبب تحریک هر دو نوع موپروتون به طور همزمان و Ipsilateral می‌گردد (9) و تعدد اله بین فعالیت این دو نوع فيبرهای کرد دارد (10).

مواد و روش ها

Sprague-Rat مطالعه ری، 15 سر موم به‌عنوان 500 گرم انگلی می‌باشد. در این با محصول داروی پیوهشی (30g/100ml) Urethane محلول با دوز وان و تندر و تون در داخل پیوهشی می‌باشد. موشها پیوهشی عمیق داده شد. برای تنیب سطح بر روی Urethaneی در طول آزمایش ها از محلول تزریق داخل ورید استفاده شد. سیزر سطح پیوهشی با Toe Pinch و Pupillary و سل سطح پیوهشی به روش پایه دهی رلفکس های موش گام در بر روی شکم (Prone) روى میز جراحی قرار گرفته. برجه
بحث

در حالی که موش‌ها تحت بهوپشی عمیق با دوز Urethane بودند و بر روی شکم روی می‌جزاردی با شرایط خاص آزمایش قرار داشتند و دم حیوان در راستای بدنش بود، آزمایش یا انجام شد و نتایج به دست آمده از این روش از اکثر تحقیقات نشان داد که تحریک مکانیکی گوش خارجی که با فله‌های متعددی در حال انجام ترک یا دوگانه یا یک دسته در Caudal است سبب افزایش فعالیت در ریخته‌های Caudal می‌باشد (تصویر شماره 1). 

نمونه‌شناسی: ۱۵ نمونه گلاکسی گوگو با موجب تحریک گوش خارجی سبب افزایش دماه‌پیش‌سازی وایا علائم سفری و راست و چپ گیت شکن نخاعی می‌گردد.
پرسش فعالیت حلقه‌های گاما دوک عضلانی و...
دقيقاً، دانستنی‌های کالبدی در ارسال عصبی (Caudal) در حالت خلقتی (Ipsilateral) گردیده است. چنین تصور شده‌است که با تغییرات مکانیکی، افزایش دیپول‌های همراه با افزایش تعداد فرناکس در ریشه‌های II خلقی در دور طرف سگمان نخاعی به طور Caudal مشاهده می‌شود. بنابر این، شامل در تصور شماره ۲ این است که افزایش فعالیت در طرف سگمان باعث قابلیت همان سگمان نخاعی به طور همزمان شده است. این پیش‌نهاد نشان می‌دهد که همان‌گونه که تردیدی بین فعالیت‌های گیاهان وجود دارد که این نتایج می‌کند که موتوریون همان گیاهان تحت کنترل همه‌های حرکتی مغزی می‌باشد. بنابراین این که فعالیت های گیاهان و مشاهده‌های II تحت در طرف یک سگمان نخاعی تحت تأثیر Caudal خلقی فعالیت‌های دو سگمان نخاعی حتماً با پیوسته و به سیستم موتوریون همان گیاهان هم نام همان طرف فعال شده است. 

تصویر شماره ۳ رابطه ۱ رابطه تحریک و یا عدم تحریک مکانیکی گوش خارجی را نشان می‌دهد. تحریک مکانیکی گوش به طور همزمان موجب فعال

![Ear Movement Graph]

** stavoxeg**

**ear movement**

**left dorsal root I(a)**

**left dorsal root I(b)**

**left dorsal root II**
بکل

تجربیات گوش خارجی از طریق عصب گرایی

مربوطه، ایمپالس‌های عصبی را به هسته Vestibular که در کانال ترين قسمت میلین و سفلار قرار دارند منتقل کرده و سپس از طریق راه عصبی مربوطه موجب افزایش موتوریون‌های را گذارده از رطابت کاملاً خارجی ناخاع می‌گذارد. در صورتی که تجربیات گوش دو طرف باشد، افزایش فعالیت‌های آران و آران‌های گرود یا آران‌های آرمان (۲) دوک های عضلانی قاعدتاً در هر دو طرف سگمان ناخاع به موجب افزایش Caudal فعالیت دوم طرف فیبرهای گرود مربوط به باشند. در هنگام دفع تجربیات به طرف ادامه تخلیه الکترومیکالی F اثرات گرود در آران یا آران‌های گرود یا آران‌های آرمان (۲) دوک عضلانی حداکثر به مدت چهار ساعت ۴ یا یک بار رفتار می‌کند تجربیات در فیبرهای آران دو طرف سگمان ناخاع افزایش فعالیت مشاهده می‌گردد و گروه‌گیری شده. پیک‌های بودن فعالیت در فیبرهای آران و گرود و گرود در طرفین یک سگمان ناخاع تناهی به موجب ایمپالس‌های عصبی پیک‌های Deiter’s از نظر است. با وجود این که فعالیت فیبرهای گرود در دو طرف یک سگمان ناخاع کاملاً طور مستقل عمل می‌کند، اما در تحقیق اخیر نشان داد که بیان پنالتینی های عصبی مشترک در تعداد فرکانس‌ها همواره تحت کنترل کامل است. به همین دلیل است که همیشه بین میزان ایمپالس‌های عصبی فیبرهای گرود در دو طرف یک سگمان ناخاع متمایز وجود دارد (تصویر شماره ۲). این افزایش یا آران دوک Jitter عضلانی با تأخیر خیلی کمی که به علت وجود جدیدیت

راسته ی یک سگمان که موجب ویژگی‌های آران دوک های عضلانی مشاهده هم دارای اثرات فعالیت‌های بر روی موتوریون‌های گرودی‌ها است.

به هر حال Celichowski در سال ۱۹۹۴ این را به همراهان که از طریق فعالیت فیبرهای آران دوک‌های عضلانی مشاهده می‌کرده. از طرفی ادامه فوق‌العاده آران-اول ۲ یک سگمان کاملاً به علل واحدهی آران‌های دوک یک سگمان مشاهده می‌گردد که با

پرونده سی‌دی

۱۳ ماه علمی پژوهش دانشگاه علوم پزشکی مازندران
سال پاژوهشی گامادوک عضلانی و...
فیلیات فیبرهای دورکه‌های عضلانی قاعدگی هر کدام Caudal، فعال‌کردن فیلیات قابل ملاحظه‌ای در این عصب حرکتی ممکن نبوده و در پتانسیل‌های عمل خیلی کوچک و در حد رتم زمینه بودن. به طور یافتن این کوچکی ناشی از عدم وجود دوپامایین. کافی در این عصبی می‌باشد. از طرفی، با انجام اقدامی می‌توان یاد کرد که عدم فعالیت این نوع فیبرهای قاعدگی در این دسته عصبی می‌تواند در عضلات Interosseus را باشد. آگره کردن (۱۹) در سال ۱۹۷۷ در بالاست thompson بازنگری کردند (۱۹۷۸) که در بالا نشان دادند که طریق تحقیق خیریه این گروه II در فعالیت فیبرهای با و در این نوع فعالیت همان آوران عضلات باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت همان آوران باطل و در بیشتر قبلاً بوده است. به طوری که طریق ثابت می‌گردد که گروه II در تحقیق این طریق این نوع فعالیت H. Sherrington, C.S. Decerebrate rigidity and reflex coordination of movements. J. Physiol. Lond. 1898; 22: 319-22.


